

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باتوجه به مطالبی عرض کردیم این مطلب برای ما روشن شد که ماه دارای اوضاع و اشکال مختلفی می باشد که هر ماه تکرار می شود، یعنی در سال که ۱۲ ماه می باشد هر ماه ابتدا ماه متشکل به شکل هلال می شود و بعد تربیع اول و سپس بدر و بعد از بدر تربیع ثانی و در آخر در محاق قرار می گیرد تا اینکه دوباره برای ماه بعد متشکل به شکل هلال بشود. این حالات ماه یک امر واقعی و تکوینی و طبیعی می باشد و تکرار و تعدد در آنها وجود ندارد یعنی در هر ماه فقط یکبار این حالات و اشکال مختلف برای ماه رخ می دهد و این طور نیست که مثلاً امشب برای یک نقطه ای اول ماه باشد و فردا شب برای نقطه ای دیگر. بنابراین تشکل ماه به شکل هلال یک واقع محفوظی دارد و در صورتی که کسی به این واقع پی نبرد شارع مقدس تکلیفش را معین کرده خواه جهل به حکم داشته باشد یا جهل به موضوع. مطلب دیگری که باید عرض کنم این است که در روایات پنج گانه و ششگانه ای که قبلاً خواندیم اهل بیت (علیهم السلام) فرموده بودند که اگر شخصی علم به هلال پیدا نکرد و یک روز روزه اش را خورد، بعداً که علم به واقع پیدا کرد باید قضای آن روز را بجا بیاورد، از این فرمایشات مشخص می شود که رؤیت موضوعیت ندارد بلکه طریق به واقع است فلذا هر زمانی که کشف خلاف از آن طریق شد ما باید تکلیفمان را مطابق با واقع انجام بدهیم و همچنین در هیچکدام از روایات ششگانه و پنجگانه اشاره ای به اختلاف افق و وحدت افق نشده بود. مطلبی که امروز خدمتتان عرض می کنم این است که بین اوقات مربوط به طلوع و غروب خورشید و ظهر و نصف شب و امثال آنها و بین اوقات مربوط به ماه فرق می باشد و کسی نباید این دو را با هم قیاس کند. در اوقات مربوط به طلوع و غروب خورشید و ظهر و نصف شب و امثال آنها شکی نیست که افق مؤثر است چون همانطور که عرض کردیم اینها مربوط به حرکات کره زمین می باشد و ما دو حرکت از حرکات کره زمین را ذکر کردیم یعنی حرکت وضعی و حرکت انتقالی. حرکت وضعی

زمین به این صورت است که زمین در هر ۲۴ ساعت یک بار به دور خودش می چرخد یعنی تمام نقاط خودش را در معرض تابش خورشید قرار می دهد، همانطور که عرض کردیم ۳۶۰ درجه به روی کره زمین فرض می کنیم و بعد ۳۶۰ را بر ۲۴ تقسیم می کنیم که خارج قسمتش می شود ۱۵ نتیجه این می شود که در هر ساعتی زمین در حرکتش از غرب به شرق ۱۵ درجه حرکت می کند و می دانیم که هر ساعتی ۶۰ دقیقه است فلذا هر درجه ای را زمین در ۴ دقیقه طی می کند، به عنوان مثال بین مشهد و تهران که ۸ درجه از لحاظ طول شرقی فاصله است ۳۲ دقیقه اختلاف افق وجود دارد. خلاصه باید عرض کنیم که کره زمین که از غرب به شرق می چرخد شکی نیست که مشارق و مغاربی دارد یعنی شکی در این نیست که در گردش زمین از غرب به شرق نقاطی هستند که صبح و ظهر و مغرب و نصف شبشان زودتر از نقاط دیگر محقق می شود. در قرآن کریم هم در چند جا اشاره به این مطلب شده مثلاً در سوره الرحمن آمده: رب المشرقین و رب المغربین فبأی آلاء ربکما تکذبان، حالا می خواهیم ببینیم که منظور از این مشرقین و مغربین چیست؟ آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در تفسیر المیزان می فرمایند که مشرقین مشرق صیف و شتاء است و مغربین هم مغرب صیف و شتاء می باشد، در توضیح این مطلب باید عرض کنیم که در جلسات قبلی نقاط مختلف زمین را به مناطق محترقه شمالی و جنوبی و معتدله شمالی و جنوبی و منجمده شمالی و جنوبی تقسیم کردیم و گفتیم که در علم هیئت قائلند که خورشید از خط استوا ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه می آید و بالای سرشان قرار می گیرد یعنی از خط استوا که حرکت خورشید شروع می شود ابتدای بهار است و در فروردین وارد بیهشت می آید تا اینکه در آخر خرداد می رسد به آن ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه، که اینجا آخرین مشرق صیف است و بعد از آن خورشید برمی گردد تا اول پاییز دوباره می رسد به خط استوا که اعتدال خریفی رخ می دهد و از اینجا خورشید به طرف جنوب می رود تا اینکه در آخر پاییز می رسد به آن ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه که اینجا آخرین مشرق شتاء است و بعد از آن خورشید برمی گردد تا در اول بهار می رسد به خط استوا که اعتدال ربیعی رخ می دهد. آیت الله طباطبائی می فرمایند که مشرقین یکی

وحدت افق و اختلاف افق را خوب بفهمیم که البته مفصلاً درباره طول و عرض بلاد بحث کردیم منتهی برای اینکه مطلب روشن تر بشود درجات طول و عرض چند شهر را برایتان بیان می کنم، اول از درجات طول برایتان می خوانم، مثلاً مشهد ۵۹ درجه طول شرقی دارد و تهران ۵۱ درجه، قم ۵۰ درجه، نجف و کربلا و بغداد ۴۴ درجه، تویسرکان و بروجرد و خرم آباد و دزفول و شوشتر و اهواز و زنجان و نهاوند و همدان و سنندج و اردبیل و کویت و لنکران ۴۸ درجه طول شرقی دارند، کرمانشاه و تبریز و مراغه و ریاض عربستان ۴۶ درجه، واسط و قصرشیرین و آذر شهر و خوی و ارومیه و ساوجبلاغ و نخجوان و عدن ۴۵ درجه طول شرقی دارند، سلطان آباد اراک و رشت و اهواز ۴۹ درجه و قزوین و قم و گلپایگان و لاهیجان و ساوه و خمین و خوانسار و بوشهر ۵۰ درجه طول شرقی دارند، خوب اینها نمونه هایی از طول بلاد بود حالا نمونه هایی از عرض بلاد را هم ذکر می کنیم؛ مکه ۲۱ درجه عرض دارد و مدینه ۲۴ درجه، نجف و کربلا و حلّه و بصره و لصفهان و دزفول و شوشتر و قاتن ۳۲ درجه، خوانسار و خرم آباد و بروجرد و بغداد و دمشق محلات و گلپایگان و صیدا و مراکش ۳۳ درجه، مشهد و قزوین و بلخ و موصل و زنجان و نیشابور و الجزایر و سبزواری ۳۶ درجه، سمنان و سنندج و توکیو در ژاپن و تربت حیدریه ۳۵ درجه، قم و تویسرکان و کرمانشاه و جلال آباد افغانستان و بعلبک همدان و نهاوند و سامرا و پیشاور ۳۴ درجه، یزد و اسکندریه و سیستان و لاهور ۳۱ درجه، تایوان و شیروان ۳۷ درجه و تبریز و اردبیل و استر آباد گرگان ۳۸ درجه عرض دارند. بنابراین الآن ما تا حدودی با عرض و طول بلاد آشنا شدیم، اما راجع به این موضوع که چقدر در بحث ما تأثیر دارد این شاء الله فردا عرض می کنیم. ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

مشرق صیف یعنی آخر تابستان و یکی مشرق شتاء یعنی آخر پاییز می باشند که اولی حداکثر طولانی بودن روز و دومی حداکثر طولانی بودن شب می باشد و مغربین هم به همین صورت می باشد. آیت الله خوئی رحمه الله علیه یک تفسیری دارند به نام البیان فی تفسیر قرآن که در آنجا نظرشان در این مسئله مخالف نظر آیت الله طباطبایی می باشد، ایشان در البیان در تفسیر آیه: رب المشرقین و رب المغربین می فرمایند که، به مناسبت و با توجه به آیه ۳۸ از سوره زخرف یعنی آیه: یا لیتنی بینی و بینک بعد المشرقین، می فهمیم که بین دو مشرق بعد خیلی زیادی وجود دارد و هیچ بعدی به این دو بعد نمی رسد و بعد المشرقین یعنی اینکه یک دفعه خورشید به نیمی از کره زمین می تابد و تمام سطح آن نیم کره را در بر می گیرد که این یک مشرق است و بعد در این نیم کره شب می شود و خورشید به نیم کره دیگر کره زمین می تابد و تمام سطح آن نیم کره را در بر می گیرد که این هم یک مشرق دیگر می باشد فلذا مراد از مشرقین این دو مشرق می باشد که فاصله زیادی هم با هم دارند. خلاصه بنده می خواهم این مطلب را عرض کنم که در مانحن فیه هیچوقت ما نباید اختلاف اشکال ماه را که در اوقات تأثیر دارد قیاس کنیم به اختلاف حرکت زمین، چرا که شکی نیست که افق در حرکت زمین مؤثر است، منتهی بعضی ها حرکت ماه را به حرکت زمین قیاس کرده اند چنانکه در طلوع و غروب خورشید و در ظهر و مغرب و نصف شب افق مؤثر است در اول ماه هم افق مؤثر می باشد، در صورتی که این طور نمی باشد چراکه اختلاف الساعات کلاً مربوط به حرکت زمین می باشد ولی اوضاع واحوال ماه مربوط به حرکتش به دور خورشید می باشد. خوب بحث ما تا به حالا به اینجا رسیده که اگر وحدت افق و اختلاف افق در رؤیت هلال ماه مؤثر بود باید در روایات ما اشاره ای به آن می شد در حالی که هیچ اشاره ای به این مطلب نشده. دیروز یک بحثی داشتیم درباره این که در وحدت افق میزان چیست؟ علامه در تذکره جلد ۶ ص ۱۲۴ متعرض به این مطلب شده و فرموده: و بعضهم اعتبر ما قلناه و ضبطوا التباعد: بأن یکون بحیث تختلف المطالع كالحجاز والعراق، والتقارب: بأن لا تختلف کبغداد والكوفه. ابتدا ما باید طول و عرض بلاد را بدانیم تا معنی